

مهدی کمالی، رئیس کاروان تیم تاجیکستان در مسابقات آسیایی ۱۹۹۸ بانکوک ورزش را زبانی برای ارتباط بهتر با دنیا می‌داند

تاجیکستان وطن دوم من است

۵۶۴



ضمیمه: رایگان روزنامه شهرآرا
شماره روزنامه ۳۴۱۶
چهارشنبه ۰۲ تیر ۱۴۰۰
شماره ضمیمه مجله ۳۳۵
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرامجله از
shahraranews.ir

۶

رئیس شورای اجتماعی
مجله امام‌هادی (ع)
از مشکلات ساخت
و سازهای غیرمجاز
می‌گوید

سکونت‌مهاجران
و اختلاف فرهنگی



۲ سواد آموزان در کنار نوجوانان و جوانان

۷ اثرگذاری با کلام

استقبال اهالی محله خاتم الانبیا (ص) از کلاس های تابستانی مرکز یادگیری دانش و معرفت

سوادآموزان در کنار نوجوانان و جوانان



صدرا دوباره روزهای بلند تابستان از راه رسید. یکی از دغدغه های خانواده هادر تابستان اوقات فراغت کودکان و نوجوانان است. در گذشته پس از پایان دوره مدارس دانش آموزان مهارت های زندگی و کار کردن در محیط خانه را یاد می گرفتند اما حالا کلاس های تابستانی جایگزین این مهارت ها شده است. این هفته به مرکز یادگیری، یاددهی محلی دانش و معرفت، در محله خاتم الانبیا (ص) رقتیم تا از فعالیت های تابستانی آن گزارش تهیه کنیم. این مرکز علاوه بر کلاس های نهضت سوادآموزی، دوره های اوقات فراغت را برای سنین ۴ تا ۵۰ سال برگزار می کند.

تشکیل حلقه کتاب خوانی

مرکز یادگیری، یاددهی محلی دانش و معرفت زیر نظر نهضت سوادآموزی ناحیه ۷ آموزش و پرورش مشهد با مدیریت اعظم سبیلی و نرگس خانی در ۲ شیفت مدیریت می شود. اعظم سبیلی، کارشناس ارشد مدیریت آموزشی است و از سال ۹۵ با کمک ساکنان محله، آموزش و پرورش ناحیه ۷، بهزیستی و شهرداری منطقه این مرکز را راه اندازی کرده است. او می گوید: «سواد فقط خواندن و نوشتن نیست و امروز به جز این ۲ مهارت باید مهارت های چهل گانه زندگی را در حوزه های مختلف به افراد آموخت. این مجموعه علاوه بر سوادآموزان برای کودکان و نوجوانان و بزرگ ترها کلاس اوقات فراغت در تمام ایام سال برگزار می کند. سبیلی می گوید: «کلاس های اوقات فراغت در تابستان رنگ بوی بیشتری به خود می دهد و دانش آموزان بیشتری از این کلاس ها استقبال می کنند. کودکان و نوجوانان در گروه های سنی مختلف و در کلاس های این مرکز مشغول یادگیری هستند.

همراه با مدیر مجموعه از کلاس های دیدن می کنیم. کتابخانه اولین اتاقی است که به آن سر می زنیم تعدادی از خانم های جوان در حال مطالعه هستند. سبیلی می گوید: «کتابخانه با کمک مردم آموزش و پرورش ناحیه ۷ با کتاب های محدود کار خود را آغاز کرد. سوادآموزان و علاقه مندان استقبال خوبی از این کتابخانه کردند و حلقه های کتاب خوانی تشکیل شد.»

آموزش دادن و آموزش گرفتن

کرونا هم نتوانسته علاقه مندان به آموزش در محله خاتم الانبیا (ص) را از حرکت باز دارد. این مرکز در دوره کرونا تعطیل نشده است. اما نکات بهداشتی و رعایت فاصله اجتماعی در این مرکز به دقت رعایت می شود و نسبت به گذشته تعداد نفرات کمتری در کلاس حضور دارند. ساعت کلاس ها کوتاه تر شده و تعداد آن ها بیشتر شده است. اتاق فناوری با رایانه اتاق بعدی است که کارآموزان در آن مهارت (CDL)، را آموزش می بینند. این دوره برای سوادآموزان نیز برگزار می شود. در اتاق بعدی ۲ چرخ خیاطی و میز پینگ پنگ با فاصله از هم قرار دارد. سبیلی می گوید: «به دلیل محدودیت از همه فضا های ممکن برای کلاس های مختلف استفاده می کنیم. چون اینجاست مرکز یاددهی و یادگیری است از سوادآموزان و علاقه مندان تقاضای کنیم هنرهای مختلفی را که آموخته اند به یکدیگر آموزش دهند.»

در کلاس دکوپاژ برای کاهش هزینه ها هنر جوانان یک کلاس مواد اولیه را با هم می خرند و بعد بین هم تقسیم می کنند. هر کدام یک قلم دارند تا رنگ را به کار اصلی اضافه کنند. این همدلی باعث شده تعداد افراد بیشتری توان استفاده از کلاس ها را داشته باشند.

کمک سازمان ها و خیران

کلاس های ورزشی طرف داران بیشتری دارد. بیشتر دانش آموزان محله از کلاس های ورزشی این مرکز استفاده می کنند. مجید ایزدلوومریم محمدی زوج جوانی هستند که به دختر ها و پسر های علاقه مندی به ورزش، هنر های رزمی و ژیمناستیک آموزش می دهند. کلاس های ورزشی ۳ روز در هفته برگزار می شود. فاطمه براتی، مربی دارا القرآن، نیز از زمان افتتاح مرکز به سوادآموزان و هنر جوانان علاقه مند روان خوانی، تجوید، ترتیل، مفاهیم و احکام آموزش می دهد. تنها خواسته سبیلی، مدیر مرکز همکاری بیشتر سازمان ها و خیران با این مرکز است. او می گوید: «این محله استعداد های زیادی دارد و با حمایت بیشتر سازمان ها و خیران می توان کلاس های بیشتری را با کیفیت بهتر برای آن ها برگزار کرد.»

منطقه

منطقه

از ابتدای سال ۲ بار درختان قدیمی ارتفاعات جنوبی طعمه آتش شده اند

بایدها و نبایدهای یک مسیر اضطراری



الهام ظریفیان چهارشنبه هفته گذشته کوهنوردانی که به ارتفاعات جنوبی رفته بودند با اتفاق تلخی روبه رو شدند. آن ها با مشاهده آسمان نارنجی و دود سیاهی که برخاسته بود متوجه شدند آتش به جان بخشی از درخت های قدیمی دره مقابل کوهستان ۳ افتاده است. رضامشینی فعال اجتماعی و محیط زیست که شاهد این اتفاق بوده است در گفت و گو با شهرآرا محله می گوید: «ساعت ۷، بعد از ظهر هنوز هوا روشن بود که در مسیر برگشت از قله زونا گهان متوجه حجم زیادی از دود در آسمان بعد از باغ خاطره شدم. بعد نگریمان بوستان را دیدم که با ۲ کپسول آتش خاموش کن به سمت آتش می دود. روی کوه که رفتیم دیدم آتش در دره زونا بهانه می کشد. آن روز باد سنگینی به سمت جنوب می وزید و با هر وزش آتش را گرمی داد و منتشر می کرد. نگریمان با همان ۲ کپسول به دل آتش زد و سعی کرد آن را خاموش کند ولی کار زیادی از دستش بر نمی آمد. چند دقیقه بعد خود روهای آتش نشانی آمدند و با تجهیزات آتش کوب آتش را خاموش کردند.»

۲۲ آتش سوزی از ابتدای سال

بیش از ۱۰۰۰ اصله درخت قدیمی در یک محدوده یک و نیم هکتاری مقابل کانون ۳ کوه پارک قرار دارد که در این اتفاق حدود ۱۰۰ درخت صدمه دید. حدود یک ماه پیش نیز حادثه مشابه دیگری در کوه پارک رخ داد که بخش زیادی از پوشش گیاهی منطقه در پی آن از بین رفت. چندی پیش ایجاد مسیر اضطراری در کوه پارک در انتهای خیابان لادن در دستور کار شهرداری قرار گرفت. اما با مخالفت فعالان محیط زیستی کار نیمه کاره ها شد تا مسیر به صورت خاکی و آسفالت نشده بماند. سید مرتضی مرجانی بجستانی، رئیس اداره کمر بند جنوبی، در این باره می گوید: «شاید اگر مسیر اضطراری از ورودی لادن تا کمر بند سبز آسفالت می شد زمان رسیدن خود روهای آتش نشانی به کانون آتش نصف می شد و شاهد خسارت های کمتری بودیم.»

استدلالی که البته از سوی فعالان محیط زیستی «بهانه ای برای ایجاد دسترسی های بیشتر به طبیعت ارتفاعات جنوبی» تعبیر می شود. رامشینی در این باره می گوید: «به نظر نمی رسد خود روهای آتش نشانی مشکلی برای دسترسی به کانون حادثه داشتند. احتمالاً شهرداری می خواهد با احداث مسیر اضطراری ورود خود روها را باز کند چون بازشدن انتهای بولوار لادن تکمیل کننده پازل بزرگراه جنوبی است.»

آبیاری فشرده راه نجات درختان صدمه دیده

مرجانی البته نظر دیگری در این باره دارد. او می گوید: «برای اینکه مسیر به یک دسترسی عمومی تبدیل نشود راهکارهای زیادی وجود دارد. ولی دلایلی که ماسی آوریم منطقی است.» او با تقدیر از ایثارگری نیروهای انتظامات کمر بند سبز و سازمان آتش نشانی که با حضور بموقع و پر تعداد باعث مهار آتش شدند می گوید: «عامل آتش سوزی ها معمولاً عوامل انسانی هستند که در اثر بی احتیاطی باعث افزایش دامنه حریق می شوند. در این حادثه ۱۲ خود رو آتش نشانی برای مهار حادثه اعزام شدند. علت اصلی حادثه هنوز مشخص نیست ولی به دلیل بارندگی کم و خشک شدن احتمالاً یک جرعه کوچک باعث گسترش حادثه شده بود که در پی آن تعدادی از درختان نیز صدمه دیدند. امیدواریم بتوانیم با آبیاری بیشتر این درختان مانع از خشک شدن آن ها شویم. چون شاخه های پایین آن ها سوخته است و طبق تجربه ای که از موارد مشابه در سال گذشته داریم بیشتر این درختان با آبیاری فشرده برمی گردند.»

منطقه ۹

بهسازی پیاده‌رو

۱۳۵۰ مترمربع از پیاده‌روهای خیابان بهارستان با اعتبار ۴/۵ میلیارد ریال و در قالب طرح «محله ما» بهسازی شد. ۲ پروژه پیاده‌روسازی دیگر نیز در ۳۵۰۰ مترمربع از بولوارهای خاقانی و لادن با مجموع اعتبار ۱۰ میلیارد ریال در قالب این طرح در حال اجراست. در سال گذشته ۹ پروژه بهسازی با مجموع مساحت ۲۱ هزار مترمربع و اعتبار بیش از ۴۰ میلیارد ریال در منطقه اجرا شد.

مسیر «باغ ایرانی»

شهردار منطقه ۹ از ساخت مسیر ارتباطی بوستان وفا به پردیس تئاتر مشهد خبر داد. جواد اصغری گفت: در طراحی این پروژه، مسیری با عنوان «باغ ایرانی» مزین به سردیس‌هایی از پیش کسوتان عرصه هنر در نظر گرفته شده است. از دیگر اقدامات اجرایی این پروژه پیاده‌روسازی مسیر، جانمایی آب‌نما ساخت فضای سبز، نصب تجهیزات روشنایی و... خواهد بود. این پروژه با اعتباری بالغ بر ۱۱۰ میلیارد ریال تا پایان پاییز ۱۴۰۰ به بهره‌برداری خواهد رسید.

پروژه‌های محله صابر

انواع پروژه‌های عمرانی و فرهنگی در معابر محله صابر با اعتبار ۲۰ میلیارد ریال در حال اجراست. روکشی بیش از ۱۳ هزار مترمربع از معابر فرعی خیابان‌های صابر و ابویسانی با استفاده از ۱۶۰۰ تن آسفالت، بهسازی پیاده‌روهای ۲ سمت خیابان صابریک با اعتبار ۴/۵ میلیارد ریال، اجرای ۲۱ هزار مترمربع نقاشی دیواری سطح ۲ و ۳ و ساخت بوستان ۱۰ هزار مترمربعی با اعتبار ۳۵ میلیارد ریال واقع در شهرستانی ۱۳/۷ از جمله این پروژه‌هاست.

خیابان هنر در کوه پارک

هم‌زمان با دهه کرامت رضوی رویداد فرهنگی «خیابان هنر» با مشارکت سازمان فرهنگی شهرداری مشهد و اداره فرهنگ و ارشاد مشهد در کانون ۳ کوه پارک مشهد برگزار شد. «خیابان هنر» با هدف ایجاد فضایی برای مراد و هنری هنرمندان باشهروندان ایجاد شد تا در آن هنرمندان مختلفی در حوزه‌های مختلف مانند نمایش، صنایع دستی، هنرهای تجسمی و... در آن حضور یافته و آثار هنری خود را برای نمایش در معرض دید شهروندان قرار دهند.

منطقه ۱۰

حماسه حضور

در روزهای منتهی به انتخابات ایستگاه‌های حماسه حضور هم‌اکنون بیون آزاد در محلات مختلف منطقه برگزار شد. این ایستگاه‌ها به همت اعضای شوراهای اجتماعی محلات برپا شدند. این برنامه در محله حجاب در بوستان نیلوفر آبی با پخش آهنگ‌های انقلابی و توزیع تراکت‌های تبلیغاتی همراه بود. محله خاتم‌الانبیاء نیز ایستگاه خود را در خیابان امام‌زمان (عج) برگزار کرد. همچنین از سوی شورای اجتماعی محله شاهد تریبون آزاد در چهارراه ورزش برگزار شد.

قصه‌های محله

جشنواره «قصه‌های بچه‌های محله» با معرفی ۱۳ قصه برتر از کودکان و نوجوانان محله خاتم‌الانبیاء (ع) به اختتامیه رسید. در این جشنواره که پیش‌تر از سوی فرهنگ‌سرای شهید خادم‌الشریعه آغاز شده بود کودکان و نوجوانان قصه‌هایی را با صدای خود روایت می‌کردند و این قصه‌ها در کانال فرهنگ‌سرا با نام خودشان منتشر می‌شد. ۸۷ کودک در این جشنواره شرکت کرده بودند.

تقدیر از شوراها

مراسم تقدیر و تشکر از رؤسای شوراهای اجتماعی محلات منطقه در هفته گذشته برگزار شد. در این مراسم علاوه بر شهردار منطقه، شهناز مارم‌عضو شورای شهر نیز حضور داشت. شهردار منطقه در این مراسم ضمن تشکر از زحمات این دوره‌مشوراهای اجتماعی محلات گفت: اعضای شوراهای تجربه حضور در فعالیت‌های مدنی را داشته‌اند اما برای اثرگذاری بیشتر و بهتر ضروری است دوباره قوانین شورا و مسئولیت‌هایی را که دارند مطالعه کنند.

کوچه هنر

به مناسبت ایام دهه کرامت رویداد فرهنگی «کوچه هنر» هر شب در چهارراه مخابرات برگزار شد. این برنامه به همت شورای اجتماعی محله ایثارگران تدارک دیده شده بود. در این رویداد فرهنگی هنرمندان در غرفه‌های مختلف آثار هنری خود را به نمایش گذاشتند. برنامه‌های شاد و سرگرمی نیز برای این رویداد برنامه‌ریزی شده بود که با توجه به اینکه در یکی از نقاط مرکزی قاسم‌آباد برپا شده بود مورد استقبال شهروندان قرار گرفت.

رئیس شورای اجتماعی محله امام هادی (ع) از مشکلات ساخت و سازهای غیرمجاز می‌گوید

سکونت مهاجران و اختلاف فرهنگی



صدرا محله امام هادی (ع) از محدوده‌های قدیمی و تأثیرگذار در حرکت‌های انقلاب اسلامی در مشهد است که در حال حاضر از میدان قائم (ع) آغاز و تا بولوار خادم‌الشریعه ادامه دارد. ضلع دیگر این محله از خیابان توس ۵۰ تا میدان معراج شهدا را در برمی‌گیرد. وجود مساجد فعال، معراج شهدا و حسینیه‌ها، باعث شده شاهد برپایی فعالیت‌های فرهنگی زیادی در این محدوده باشیم. محمد رضایی بحرآباد، رئیس شورای اجتماعی این محله امام هادی (ع)، در این باره

می‌گوید: مردم به‌طور خودجوش در مساجد، پایگاه‌های بسیج، زمینیه، حسینیه و فاطمیه فعال هستند. با وجود این او مهم‌ترین دغدغه شهروندان محله امام هادی (ع) را حضور مهاجران و ساخت و سازهای غیرمجاز می‌داند و می‌گوید: «این محله در چند سال گذشته شاهد حضور مهاجران زیادی از خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان بوده است. بسیاری از این مهاجران به دلیل کمبود امکانات در شهرها یا استان‌های خود به این محدوده حاشیه نشین آمده‌اند. ساخت

رضایی از معراج شهدا به عنوان فاخرترین پایگاه محله نام می‌برد و می‌گوید: «یادواره شهدا و روایتگری از دفاع مقدس از مهم‌ترین برنامه‌هایی هستند که در این معراج انجام می‌شوند.» او در پایان یکی از اثر بخش‌ترین مصوبات شورای اجتماعی محله امام هادی در ۲ سال اخیر را ساخت سرویس بهداشتی در بوستان بنفشه ذکر می‌کند و می‌گوید که با پیگیری اعضای شورا این خواسته ساکنان از سوی شهرداری منطقه در حال انجام است.

منطقه ۱۰

پروژه گرافی

پایان دادن به ترس بارندگی



جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی



از تقاطع حسابی-فلاحی تا خیابان شهید فلاحی ۵۲



آذر ۹۸



«جمع‌آوری و دفع آب‌های سطحی» از پروژه‌های مهمی بود که با صرفه‌جویی زیادی به بهره‌برداری رسید. اعتباری که برای آن در نظر گرفته شده بود ۶۳۱ میلیون تومان بود اما شهرداری به جای کانال‌های بتنی با عرض ۱٫۵ متر که مشاور پیشنهاد داده بود از لوله‌های بتنی پیش‌ساخته با عرض یک متر استفاده کرد. دلیل آن هم وجود لوله‌های گاز در محدوده بود. کار با ۵۲۰ میلیون تومان در محدوده‌ای به طول ۳۰۰ متر انجام شد و با رقم باقی‌مانده پیاده‌رو روی کار بهسازی شد.

رضا عباسی شهروندی که ساکن خیابان فلاحی ۵۲ است می‌گوید: «بیشتر خانه‌های این محدوده زیرزمین دارند و خود خانه‌ها پایین‌تر از سطح خیابان قرار دارند. اومی‌افزاید: تا قبل از اجرای این پروژه با هر بارندگی کوچکی آب توی خیابان جمع می‌شد و داخل خانه‌های ما می‌زد. هر بار زندگی‌مان مانند سیل زده‌ها زیر آب می‌رفت. این شهروند که از اجرای این پروژه بسیار راضی است می‌گوید: خداراشکر از ۲ سال پیش که این لوله‌ها را کار گذاشتند دیگر چنین مشکلی پیش نیامده است.»

منطقه ۱۰



مهدی کمالی، رئیس کاروان تیم تاجیکستان در مسابقات آسیایی ۱۹۹۸ بانکوک، ورزش رازبانی برای ارتباط بهتر با دنیا می‌داند

تاجیکستان وطن دوم من است

منطقه

۹

نجمه موسوی کاهانی از اهالی کوثر است امروزهای کرونایی را در خانه باغ کوچکش در حوالی شاندریز می‌گذراند. مردی که تمام عمر برای ورزش استان و کشور تلاش کرده و عادت دارد ثمره کارهایش را در مدال‌های رنگارنگ ببیند، حالا در ۶۹ سالگی میوه دادن درخت‌های گیلاس و سیب را نظاره می‌کند که حاصل تلاش روزهای بازنشستگی‌اش هستند. مهدی کمالی، پیش‌کسوت ورزش مشهد است که نه تنها برای ورزش کشورمان، بلکه برای ارتقای ورزش کشور تاجیکستان نیز عمری را صرف کرده و حالا می‌گوید دو وطن دارد؛ اول ایران و بعد تاجیکستان. ساعتی را مهمان خانه‌اش می‌شویم و همراه با او به عکس‌ها و خاطرات قدیمی‌اش در ورزش نگاه می‌اندازیم.

● مرور خاطره‌ها برای دوری از فراموشی

دور و بر خانه پر از عکس‌ها و مدال‌های قدیمی است. چند آلبوم و روزنامه هم روی میز گذاشته تا گواهی باشد بر صحت داستان‌هایی که تعریف می‌کند. سینی چای تازه دم را کنار آلبوم‌هایی که گذارد و جمله‌اش را این‌طور آغاز می‌کند: «ما ورزشی هادلمان به همین یادگاری‌ها خوش است. همین مدال‌ها و عکس‌هایی که هر کدام یک دنیا خاطره به همراه دارد و برای هر کدام زحمت فراوان کشیده‌ایم.» از دسته‌بندی عکس‌ها بر اساس سال و تاریخ مشخص است که همه چیز در زندگی او طبقه‌بندی شده است. خودش می‌گوید هر روز خاطرات زندگی را با جزئیات مرور می‌کند تا هیچ نکته‌ای را فراموش نکند. او معتقد است همین کار باعث شده تا در این سن حافظه‌اش به خوبی او را یاری کند و آلزایمر به سراغش نیاید.

● هم درس می‌خواندم هم کار می‌کردم

فن بیان خوبی دارد. وقتی درباره خودش می‌پرسم از اصل و نسبش شروع می‌کند و می‌گوید: «پدرم فرش فروش بود و مغازه‌ای اطراف حرم داشت، بعد از تخریب این محدوده رفت انتهای بازار فرش فروش‌ها. بغل حمام مستشار غرقه‌ای را به راه انداخت. اصالتش به سرایان فردوس برمی‌گشت. از آدم‌های کار راه‌انداز بود و در سرایان همه‌اورامی شناختند. مدرسه‌ای را هم در همان دیار ساخت که هنوز استفاده می‌شود.» وقتی سن و سالش را می‌پرسم می‌گوید: «متولد اردیبهشت ۳۱ سال و بچه بیمارستان امام‌رضا هستم که آن زمان شاه‌رضا نام داشت.

بعد از سومین دوره مسابقات بانوان کشورهای اسلامی برادری بین دو کشور را احساس کردم



قهرمانی ایران از زبان سرپرست تیم تاجیک

برد شیرین تیم فوتبال ایران و قهرمانی در بازی‌های آسیایی ۱۹۹۸ بانکوک را همه ما به یاد داریم. اما این بار از زبان رئیس کاروان تیم تاجیکستان حکایت این برد شیرین را می‌شنویم. کمالی می‌گوید: بعد از اینکه تدارکات کشور تاجیکستان به من سپرده شد، در مسابقات المپیک به عنوان معاون کمیته المپیک کشور تاجیکستان و پس از آن هم به عنوان رئیس کاروان تاجیکستان در بانکوک انتخاب شدم. این انتخاب خیلی برایم شگفت‌انگیز بود و هیجان‌زده بودم. پس از آن بود که به بازی‌های آسیایی بانکوک اعزام شدم و به همراه تیم تاجیکستان ۲۹ روز در بانکوک بودیم. در آن دوره از مسابقات تیم ایران هم حضور داشت. همیشه مهم‌ترین ورزش در ایران فوتبال بوده است. تیم فوتبال ایران و تاجیکستان از ۳۲ تیم به ۱۶ تیم صعود کردند

#ورزش #کشور - دوست #تاجیکستان

نماینده آمدند تا با سرپرست تاجیک‌ها صحبت کنند. اما نمی‌دانستند که من ایرانی هستم. می‌خواستند ریزنی کنند که تاجیکستان با تفاضل گل زیاد از عمان ببازد. من با عصبانیت به آن‌ها گفتم ما همه مسلمانیم و این حرف‌ها دور از شأن مسلمانان است. ۵۰ هزار دلار به من پیشنهاد دادند تا تیم ما ببازد. عصبانی شدم و با صدای بلند گفتم من ایرانی هستم و وطنم را نمی‌فروشم. اول که باور نمی‌کردند اما وقتی گذرنامه‌ام را با عصبانیت کوبیدم روی میز، عرصه را خالی کردند و فرار کردند. در آن بازی از بچه‌ها خواهش کردم با تمام توان بازی کنند. بچه‌های تیم هم گفتند که ما ایران را وطن دوم خود می‌دانیم و در نتیجه تیم تاجیک مردانه مقابل عمان بازی کرد. تماشاگران ایران و تاجیک هم همگی یک صدا بودند. هم ایران را تشویق می‌کردند و هم تاجیکستان را. در نهایت بازی مساوی شد. با این مساوی ایران بالاتر از عمان و در ۸ تیم برتر قرار گرفت و در نهایت ایران توانست قهرمان آسیا شود.

و در قرعه‌کشی در یک گروه قرار گرفتند. ایران در گروه چین، عمان و تاجیکستان قرار گرفت و در بازی اول از عمان باخت. بازی دوم ما با ایران بودیم. به اینجا که می‌رسد تازه متوجه می‌شویم که منظور کمالی از تیم ما همان تیم تاجیک‌هاست. او ادامه می‌دهد: من می‌دانستم که ایران نیاز به یک برد پر قدرت دارد اما در برابر تیم تاجیکستان هم مسئول بودم. بچه‌های تاجیک را در رختکن جمع کردم. به آن‌ها گفتم ایران وطن دوم شماست. با تمام قدرت بازی کنید اما جوانمردانه، بازی شما طوری باشد که خشونت به خرج ندهید و انصاف را رعایت کنید. بچه‌های تیم ما هم با حس برادری نسبت به بازیکنان ایران بازی کردند تا کسی مصدوم یا مجروح نشود. در نتیجه بازی خوبی شد و ایران با ۵ گل تاجیکستان را برد. بعد با هیجان زیاد از تیم عمان تعریف می‌کند و می‌گوید: قبل از بازی با عمان از این کشور دو

سال با تعدادی از آن هادر ارتباط هستیم. سال ۷۲ با فدراسیون سر ناحق کردن حق بچه‌های ناشنوای مشهدی درگیر شدم و بار و زمانه خراسان مصاحبه‌ای کردم با این عنوان «در فدراسیون ناشنوایان کو گوش شنوا». این اعتراض به مذاق بعضی‌ها خوش نیامد و در همان سال از هیئت رئیسه عزل شدم ولی معتقدم خدا هیچ گاه کسی را که از حق دفاع کرده است زمین نمی‌زند.

● مهمان نوازی ایرانی

بعد از اینکه از هیئت رئیسه ناشنوایان عزل شدم به کار اداری خودم می‌پرداختم و هر سال در مسابقات دهه فجر مسئول برگزاری مسابقات آسیای میانه بودم. من همچنان مسئولیت تدارکات و تشریفات رادر مسابقات مختلف بر عهده داشتم تا رسیدیم به اولین دوره بازی‌های غرب آسیا در سال ۱۹۹۷ میلادی که به تاریخ ماسال ۱۳۷۵ می‌شود. در آن دوره از مسابقات رئیس کمیته المپیک تاجیکستان آقای جابیرف به مشهد آمد. من هم که سال‌ها تجربه کار در تشریفات راداشتم ابتدا شهر تاریخی نیشابور را به او نشان دادم. بعد هم با فراهم کردن اسباب آسایش ورزشکاران تاجیک کاری کردم که آن‌ها بعد از مسابقات از مهمان نوازی ما ایرانی‌ها بسیار راضی بودند.

● دعوت تاجیک‌ها از کمالی

صحبت کردن به زبان اشاره جالب و دیدنی است اما به این بخش از خاطراتش که می‌رسیم، کمالی به زبان تاجیکی شروع به حرف زدن می‌کند. با همان گویش از ورزشکاران تاجیک می‌گوید که به ایران آمدند و چطور با تلاش کمالی که مسئول تشریفات بوده است، از طرف فدراسیون ایران حمایت شدند. تعریف می‌کند که چطور با اتوبوس از مرز سرخس و با جگیران آمدند و از همان لحظه ورود در گمرک همراهشان بوده است. از اینجا در زندگی کمالی ورق برمی‌گردد و با حس دوستی و برادری که میان او و رئیس کمیته المپیک تاجیکستان رخ می‌دهد او فرد معتمد تاجیک‌ها می‌شود.

از سفرش به تاجیکستان این طور تعریف می‌کند: «بعد از سومین دوره مسابقات بانوان کشورهای اسلامی که در ایران بود به تاجیکستان رفتم و آنچنان استقبالی از من شد که برادری بین دو کشور را احساس کردم. تمام ورزشکارانی که در المپیک به ایران آمده بودند در فرودگاه حضور داشتند. در آنجا نمانم مخصوص محلی‌شان را برای آوردن دوبه من گفتند تو برای ما مثل یک تاجیک هستی. در آن سفر به مصاحبه تلویزیونی رفتم و گفتیم تاجیکستان وطن دوم من است و به زبان تاجیکی صحبت کردم. بعد از آن سفر به عنوان نماینده کشور تاجیکستان در جمهوری اسلامی انتخاب شدم و تدارکات بازی‌های تاجیک به من سپرده شد.



● نفر سوم بوکس در کشور شدم

با ورودم به تربیت بدنی کرمانشاه دوستان ورزشکار زیادی پیدا کردم. آنجا بود که با تشویق آقای کریمی که از ورزشکاران رشته بوکس بود به این رشته وارد شدم. در همان سالی که بوکس را انتخاب کردم در مسابقات هم حاضر شدم. در کرمانشاه دو حریف بیشتر نداشتم که وزن آن‌ها کار سختی نبود. برای مرحله کشوری هم در وزن ۵۱ کیلو شرکت کردم. ۴ حریف از شیراز و اصفهان و همدان و گیلان را زمین زد ولی آخری را که حریفی از اهواز بود نتوانستم بزنم و سوم شدم. دو سال دیگر هم در ورزش بوکس بودم و بعد متوجه شدم خیلی بار و حیه ام سازگار نیست. به همین دلیل آن‌را کنار گذاشتم و رشته بسکتبال را شروع کردم. استعداد خوبی هم داشتم. از همان وسط زمین توپ را داخل سیدمی انداختم. قدرت نگاه و تشخیص خوب بود توپ‌ها را دقیق می‌انداختم. خلاصه در همان اداره تربیت بدنی همه نوع ورزشی را یاد گرفتم.

● ازدواج سنتی در شهر غریب

خیلی ساده و خودمانی صحبت می‌کند. روان و راحت. انگار کتاب خاطرات زندگی‌اش را در دست گرفته و باز بانی پدرانه برای مامی خواند. می‌گوید: «۲۰ ساله بودم که در کرمانشاه ازدواج کردم. یکی از دوستانم خانمی را معرفی کرد. من هم به پدرم گفتم. آمد به کرمانشاه و بعد از خواستگاری در روز ۲۶ آذر ۵۱ ازدواج کردم.

با تعجب به اومی گویم که بسیاری از جوان‌های امروزی تاریخ ازدواجشان را با این دقت در خاطر ندارند. پاسخ می‌دهد: «من همیشه خاطراتم را مرور می‌کنم و قدرت حافظه‌ام خوب است. تمام سال‌هایی را که در کرمانشاه بودم خوب به یاد دارم. بالاخره سال ۵۸ بعد از انقلاب زمانی که یک پسر داشتم و یک بچه هم در راه داشتیم به مشهد آمدم و در تربیت بدنی خراسان مشغول به کار شدم.»

کمالی ۶ فرزند دارد. ۵ پسر و یک دختر. مانند همه پدرها که دار و ندار زندگی‌شان فرزندانشان هستند، از کسب و کار آن‌ها می‌گوید و موفقیت‌هایشان را می‌شمارد. درباره این می‌گوید که همه مانند پدرشان اهل ورزش در رشته‌های مختلف مانند بوکس، شنا و آمادگی جسمانی هستند. با ذوق می‌گوید که یک نوه دارد و یکی دیگر در راه است.

● مسئول هیئت ناشنوایان شدم

باز برمی‌گردد به همان سال ۵۸ که به مشهد آمده است. می‌گوید: «در اداره تربیت بدنی مسئول تشریفات مسابقات شدم. مسابقات بوکس قهرمانی کشور در مشهد برگزار شد و تیم کرمانشاه هم به مشهد آمد. دیدن دوستان و همکارانم حس خیلی خوبی برایم داشت. سال ۶۱ با حفظ سمت مسئولیت هیئت ناشنوایان خراسان بزرگ را به من سپردند. اول قبول نکردم و گفتم دو ماه آزمایشی قبول می‌کنم ببینم می‌توانم یا ناشنوایان ارتباط برقرار کنند. چون زبان آن‌ها را بلد نبودم. در ارتباط گرفتن با ناشنوایان به قدری دلسوزانه رفتار کردم که آن‌ها متوجه شدند و با من همکاری کردند. بعد از چند ماه زبان اشاره را هم یاد گرفتم. از سال ۶۲ تمام ورزشکاران ناشنوادر رشته‌های مختلف در مسابقات شرکت می‌کردند و معمولاً در تمام رشته‌ها رتبه می‌آوردیم. از سال ۶۴ علاوه بر استان، سرپرست تیم ناشنوایان ایران هم شدم. تا سال ۷۲ که رئیس هیئت ناشنوایان استان بودم همیشه برترین رتبه‌ها را در خراسان داشتیم.

● گوش شنوایی نبود

او که سال‌های زیادی را با ناشنوایان همراه بوده بخشی از صحبت کردنش توأم با زبان اشاره است. انگار صحبت به این زبان برای او یک امر عادی شده و فرقی ندارد مخاطبش صدای او را بشنود یا نه. زبان اشاره بخشی از وجود اوست. با همان سبک ادامه می‌دهد: «من کار با ناشنوایان را خیلی دوست داشتم و در برابر آن‌ها که استعداد زیادی هم داشتند احساس مسئولیت می‌کردم. هنوز هم بعد از این همه

خانه ما کوچه مسجد را نندگان بود. از ۱۴ سالگی برای کار رفتم تهران. کنار دست‌دایی‌ام کار کنم. شب‌ها درس می‌خواندم و روزها در کار تزیینات داخلی منزل مشغول بودم. از همان موقع به ورزش علاقه داشتم. کوه می‌رفتم و فوتبال بازی می‌کردم. روزهای تعطیل یا توپال بودم و یاد بریند. چند سالی کار کردم و دیپلمم را هم گرفتم. ۱۹ ساله بودم که دفترچه سر بازی را داد و طلبانه گرفتم. وقتی دفترچه به دستم رسید متوجه شدم برای اعزام یک سال باید صبر کنم. رفتم پیش فرمانده و گفتم که اگر امکان دارد مرا زودتر به سر بازی بفرستید. تیمساری که مسئول اعزام بود گفت: پسر جان همه از سر بازی فراری اند و می‌خواهند دیرتر بروند. تو چرا عجله داری؟ گفتم: چون هر چه زودتر به سر بازی بروم، زودتر می‌توانم به کار زندگی ام برسم. آن زمان برای مشمولان، سر بازی را در چند درجه تقسیم می‌کردند و بعضی‌ها به قید قرعه معاف می‌شدند که شانس ما من یار بود و معاف شدم و توانستم زودتر به برنامه‌های زندگی ام برسم.»

● خیلی اتفاقی وارد تربیت بدنی شدم

همین طور که مشغول تعریف کردن خاطراتش است. ظرف شاه توت را روی میز می‌گذارد و می‌گوید: «من یک عمر مسئول تشریفات ورزش بوده‌ام. آداب میهمان داری را به خوبی می‌دانم. این میوه‌ها همگی از درختانی چیده شده‌اند که خودم آن‌ها را پرورش داده‌ام.

باز برمی‌گردد در خاطراتش. ادامه می‌دهد: بعد از اینکه از سر بازی معاف شدم به مشهد برگشتم. حاج خانمی در همسایگی ما بود به نام خانم ناصری که به من اعتماد داشت. خدارحمش کند خیلی وقت‌ها من را جای پسر خودم می‌دانست و کارهایش را به من می‌سپرد. من هم برایش احترام قائل بودم. همان روزهای اولی که به مشهد برگشته بودم او فوت شد. من هم به دلیل علاقه و احترامی که به او داشتم در مجلس ختمش هر کاری لازم بود انجام دادم. اما داد این خانم که دید اهل ورزش هستم برای اینکه کاری برایم کرده باشد گفت: «من در اداره تربیت بدنی کرمانشاه مشغول هستم. بیا و آنجا مشغول به کار شو. من هم که ورزش را دوست داشتم قبول کردم. اول دی ماه سال ۵۰ به همراه آقای محمودی، داماد خانم ناصری، به کرمانشاه رفتم.



خستگی برای من معنا ندارد

کمالی که سال‌های سال مرد خستگی‌ناپذیر ورزش ۲ کشور بوده است این روزها هم بیکار ننشسته و همچنان مسئولیت تدارکات تیم تاجیکستان را بر عهده دارد و در کنار آن به ورزش شنا و کوهنوردی هم می‌پردازد. او که از سال ۸۰ بازنشسته شده است فعالیت‌های اجتماعی را هم رها نکرده و به عنوان نماینده کانون بازنشستگان تربیت بدنی خراسان رضوی مشغول است.

او در سال‌های ۶۵ تا ۶۷ مسئول تربیت بدنی زندان‌های استان هم بوده است. در سال‌های ۹۲ و ۹۳ مشاور تربیت بدنی دانشگاه آزاد مشهد بوده است. سال‌های زیادی را هم به عنوان مشاور وزیر ورزش تاجیکستان و مشاور دانشگاه تربیت بدنی تاجیکستان به جامعه ورزشی خدمت کرده است. او که فوق دیپلم، لیسانس و فوق لیسانس را در رشته تربیت بدنی و در کشور تاجیکستان گرفته است می‌گوید: کسی که در رشته تربیت بدنی تحصیل می‌کند در تمام رشته‌های ورزشی مهارت کسب می‌کند اما در کشور تاجیکستان رسم بر این است که رشته‌هایی را به عنوان ورزش اصلی انتخاب می‌کنند. من کشتی را به عنوان ورزش اول و بوکس را به عنوان دومین رشته ورزشی خودم انتخاب کردم.

دور از خانواده سخت بود، اما به کارم عشق می‌ورزیدم

یکی یکی از روی عکس‌ها مسابقات مختلف را نشان می‌دهد. از المپیک بلغارستان و بردهای ایران در برابر شوروی و آمریکا تعریف می‌کند، از کشتی، والیبال و رشته‌های مختلف ورزشی می‌گوید و مدال‌هایی را که به همراه تیم‌های مختلف در کسوت سرپرست تیم به دست آورده است به ما نشان می‌دهد. از سختی‌ها و دوری از خانواده هم می‌گوید. او که بیشتر اوقات به همراه تیم‌های ورزشی در سفر بوده است تعریف می‌کند: یک بار پای پسرم شکست و من فقط ۲۴ ساعت توانستم مرخصی بگیرم و به خانه بیایم. اما عشق به حرفه‌ام باعث می‌شد این دوری از خانواده را تحمل کنم.



شیرینی پز محله استاد یوسفی می گوید خلایقیت و تنوع در پخت، باعث رونق کسب و کارش است

رنگی، متنوع و پر خاطره



شیرینی تر و خشک بروند. برای کارگاه خانگی به فر صنعتی کوچک مواد اولیه مانند آرد، شکر و خامه همزن متوسط، ترازو، یخچال زیر صفر کوچک، قالب، میز و سایر ابزار کار مثل قیف و کارد خامه کشی نیاز دارند. حداقل سرمایه لازم برای راه اندازی کارگاه خانگی با مساحت ۱۲ متر ۱۰ تا ۱۲۰ میلیون تومان است بعد از گذشت یک سال و کسب موفقیت می توانند کار خود را گسترش دهند.

کم شیرین برای رژیم ها

مختاری می گوید: «در سال های اخیر این بیماری افزایش چشمگیری در بین مردم داشته و این افراد نمی توانند قند و شیرینی استفاده کنند. آن ها کیک و شیرینی های رژیمی را مصرف می کنند که معمولاً با شیره انگور، شیره توت یا شکر قهوه ای تهیه می شوند و روغن استفاده شده در آن هانیز گیاهی است. کیک هویج و کیک اسفنج انواع کوی و بیسکویت را می توان برای افراد دیابتی و در کارگاه های خانگی تهیه کرد که مشتری های خاص خودش را دارد.»

جذب مشتری با کیک های متفاوت

زبان، دانمارکی، انواع باقلوا و انواع رولت از شیرینی ها و کیک های پر مخاطب هستند که در بیشتر قنادی ها دیده می شوند. اما هر قنادی معمولاً کیک یا شیرینی مخصوص به خودش را نیز دارد که باعث افزایش مخاطبانش می شود. زهرامی گوید: «همه قنادی ها برای اینکه فروش به روز و متفاوتی داشته باشند کنار شیرینی های مرسوم هر چند وقت یکبار شیرینی یا کیک جدیدی ارائه می دهند تا مشتری فرصت امتحان شیرینی جدیدی را پیدا کند. چیز کیک های تنوری و

میترا صدرا شیرینی و کیک بخش جدایی ناپذیر جشن های تولد و ازدواج، عید نوروز و اعیاد مذهبی و مهمانی های خانوادگی و دوستانه است. در گذشته ها تنوع شیرینی ها کم بود و ویتیرین قنادی ها شباهت زیادی به هم داشت. اما حالا شیرینی پزی تبدیل به هنری شده است که خلایقیت در آن نقش زیادی دارد. از طعم و عطر شیرینی بگیرد تا شکل و شمایلش. این روزها فقط قنادی هانیستند که کارگاه شیرینی پزی و کیک پزی دارند و در کارگاه های کوچک خانگی نیز شاهد تولید شیرینی جات هستیم تا به دست مشتری برسد. ۱۹ سال پیش زین العابدین مختاری فروشگاه و کارگاه شیرینی و کیک پزی خود را در محله استاد یوسفی راه اندازی کرد و حالا مدیریت فروشگاه و کارگاه برعهده دخترش است. درباره نیای شیرینی و کیک و نحوه تولید آن ها با زهرامی مختاری گفت و گو کردیم.

عشق و انرژی مثبت

مختاری وجود علاقه را رمز موفقیت و ماندگاری در این حرفه می داند و می گوید: اگر کسی می خواهد وارد شغل شیرینی پزی شود باید به آن علاقه داشته باشد. چون این حرفه عشق و انرژی مثبت می خواهد. برای راه اندازی فروشگاه و کارگاه شیرینی پزی ابتدا باید درباره محل و خیابانی که قصد راه اندازی آن را دارید تحقیق کنید. نباید فروشگاه مورد نظر به سایر قنادی ها نزدیک باشد. این روزها کیک و شیرینی جزو استفاده روزمره مردم شده است به همین دلیل نزدیکی به منازل مسکونی اهمیت زیادی دارد. توصیه می کنم علاقه مندان به این حرفه از کارگاه خانگی شروع کنند. این روزها متقاضی کیک بیشتر است و می توانند از کیک و دسر شروع کنند بعد به سراغ

اهمیت زیادی دارد. مختاری می گوید: «در صورت گسترش کار باید استادان و وردست های ماهر و معتمد پیدا کرد. همسایه های نزدیک به کارگاه را راضی نگه داشت. بو و عطر شیرینی خوشایند همه نیست. با کارشناسان بهداشت باید تعامل داشت و نکات بهداشتی را با دقت در کارگاه رعایت کرد. اما این کار لذت های خودش را هم دارد. مردم زمان شادی و خوشحالی برای خرید شیرینی و کیک می آیند زمانی که رضایت و خوشحالی آن ها را می بینیم خستگی را فراموش می کنیم.»

مینی کیک های عروسی جزو این محصولات است و مشتری آن خودش را دارد. زهرابه شیرینی آلمانی یا همان شیرینی مشهدی و شکر گلاب که شبیه آبنبات است اشاره می کند و می گوید: «این ۲ شیرینی هم از شیرینی های قدیم مشهد است و طرف داران خاص خودش را دارد. داخل شیرینی مشهدی با مریام مالاد پرمی شود و برای خیلی از مشهدی ها جذاب است.»

خستگی را فراموش می کنیم

مراقبت از مواد اولیه و مخلوط کردن به اندازه آن ها

کار را پیش حرفه ای ها بیاموزید

مختاری درباره یادگیری این حرفه می گوید: متصدی و کارفرمای این حرفه برای دریافت مجوز فروشگاه و کارگاه نیازی به آموزش ندارد. اما کسی که تمایل و علاقه زیادی به پخت کیک و شیرینی دارد، باید کار را پیش حرفه ای ها شروع کند. نکات ریز و مهم این کار را در قنادی های بزرگ کنار استادان شیرینی تر، خشک و کیک بیاموزد. شناخت و ترکیب مواد، قالب زدن، زمان استراحت خمیر هر شیرینی، چیدمان و انتقال آن به فروشگاه از نکاتی است که باید آموخت. در حال حاضر فنی و حرفه ای نیز دانشگاه قنادی دارد و مدرک معتبر به علاقه مندان می دهد. قنادی های بزرگ با دعوت از استادان بنام این حرفه و رکشاپ های به روز برگزار می کنند که می توان از آن ها نیز استفاده کرد.

کیک خوب باید سبک و پوک باشد

استفاده از حداقل خامه برای شیرینی های تر و کیک اسفنجی باعث طعم بهتر کیک و شیرینی می شود. زهرامی مختاری می گوید: کیک خوب باید سبک و پوک باشد. پوک یعنی وقتی کیک اسفنجی را بین انگشتان فشار می دهیم دوباره به حالت اول بازگردد، کیک طعم آرد و بوی تخم مرغ ندهد، خشک و سنگین نباشد. کیک های اسفنجی فروشگاه های قنادی با آب و روغن درست نمی شوند و رطوبت آن ها به اندازه کافی نیست.

برای اینکه کیک رطوبت لازم را به دست آورد باید به آن خامه زد. بعد از تزیین باید حدود ۲ تا ۴ ساعت به آن استراحت داد، تا رطوبت خامه وارد کیک شود. در این صورت کیک نرم تر می شود و طعم بهتری دارد.

این روزها کیک و شیرینی جزو استفاده روزمره مردم شده و نزدیکی به منازل مسکونی اهمیت زیادی دارد



دانش آموز محله امام هادی (ع) تاکنون تجربه‌های متعددی در حوزه گویندگی داشته است

اثرگذاری با کلام



امید
مجله

صدرا گویندگی نوعی هنر سخنوری است که به لحن و صدای خاص گوینده و مهارت گفتاری و بستگی دارد و موفقیت در آن زمانی بیشتر است که بتواند در کودکی و نوجوانی آن را پرورش دهد. یگانه رهدار، دانش آموز ۱۷ ساله محله امام هادی (ع)، بیش از ۳ سال است که علاقه کودکی خود را به طور حرفه‌ای دنبال می‌کند. او در جشنواره «شبیبه یاس» که با همت سازمان بسیج جامعه زنان استان خراسان رضوی برگزار شده در بخش گویندگی در استان دوم شده است و در دومین جشنواره استعداد یابی «ستاره تصویر» که توسط سازمان بسیج هنرمندان خراسان رضوی و با موضوع مهارت‌های بازیگری مقابل دوربین برگزار شده است، در بخش مجری‌گری مقام اول را در استان به دست آورده است.

● صدا و سیما فقط من را کم دارد!

یگانه رهدار اصلتازاهدانی است. مادر مشهذبزرگ شده و حالا دانش آموز دبیرستان سپیده‌نمازی خواهد در محله امام هادی (ع) است. علاقه او به مجری‌گری و گویندگی به کودکی برمی‌گردد؛ زمانی که از گلدان خانه به عنوان بلندگو استفاده می‌کرد و صدای او را در گوشه‌های تلویزیون می‌شنید. این علاقه تا ۱۴ سالگی ادامه داشت تا اینکه پدر و مادر یگانه تصمیم گرفتند علاقه‌اش را به طور حرفه‌ای دنبال کند. یگانه تا ۱۴ سالگی مجری برنامه‌های مختلف در مدرسه بود. این اجراها اعتماد به نفسش را بالا برد و تصمیم گرفت مجری صدا و سیما شود. او که صدای خاص یک گوینده را تقلید می‌کرده با همان لحن و شوخ‌طبعی‌ای که دارد، می‌گوید: «فکر می‌کردم صدا و سیما فقط من را کم دارد و دور و دور به این سازمان راحت است و حتماً من را قبول می‌کنند! با همین فکر یک روز به خیابان نوفل لوشاتو سازمان صدا و سیما می‌روم و آن‌ها می‌خواهد به عنوان مجری با او همکاری کنند! آنجا اومی خواهند ابتدا کلاس‌های این حرفه را بگذرانند و به او کلاس‌های گویندگی باشگاه خبرنگاران جوان را پیشنهاد می‌دهند. یگانه به همراه مادرش در کلاس‌های این باشگاه ثبت‌نام می‌کند. بعد از اتمام این دوره با پاتوق گویندگی مشهذبزرگ آشنا می‌شود و از این دوره دوستانه‌های زیادی می‌آموزد. متوجه می‌شود نیاز به آموزش و تمرین بیشتری دارد. بنابراین همراه با دوستانش در پاتوق گویندگی مشهذبزرگ، کار گروهی را نیز می‌آموزد و ۹ ماهه این گروه کار می‌کند.

● استودیو خودم را افتتاح می‌کنم

بعد از آن یگانه وارد بازار کار این حرفه می‌شود. اومی گوید: «ابتدا ۲۱ نمايشنامه برای رادیو خراسان رضوی کار کردم و انگیزه‌ام برای کار بیشتر شد و در ادامه به دنبال کارهای نو در حیطه فضای مجازی رفتم. با کارگردان‌ها و استودیوهای زیادی آشنا شدم و کار کردم. همکاری با رادیو اوستانی اصفهان و اجرای یک آیت‌م برای روز مهندس بخشی از این فعالیت‌هاست. در برنامه پاتوق دختران مروارید، متعلق به سازمان بسیج خراسان رضوی که تولیدات فرهنگی خود را در فضای مجازی قرار می‌دهد، هر هفته یک کتاب را به طور صوتی به مخاطبان این پاتوق معرفی می‌کنم.»

او با اخلاقیت و با همکاری مدیر دبیرستان در رنگ‌های تفریح رادیو تفریح، اجرای دانش آموزان اجرایی کرد. یگانه می‌خواهد استودیو خودش را داشته باشد و به جمع کردن یک گروه پرانگیزه نوجوان برای کار در حیطه گویندگی و مجری‌گری فکر می‌کند.

کرونا زندگی

وضعیت پنجشنبه بازار سرفرازان در روزهای کرونایی

بازارها همچنان خموده‌اند



نجمه
موسوی کاهانی
پنجشنبه بازار خیابان سرفرازان از آن بازارهایی است که از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در آن پیدا می‌شود و به همین دلیل بسیاری از اهالی سرفرازان و محله‌های اطراف برای خرید ما می‌تواند خود به این بازار مراجعه می‌کنند. الان که به دلیل شیوع کرونا مردم از حضور در فضاهای بسته امتناع می‌کنند رونق این گونه بازارها که در فضای روباز هستند بیشتر است. با توجه به اینکه آمار کشته‌شدگان کرونا در ایران تا لحظه تهیه این گزارش ۳ رقیمی است و از طرفی رعایت نکات بهداشتی در فضاهای روباز نیز لازم است پنجشنبه به این بازار رفتیم تا از میزان رعایت نکات بهداشتی گزارشی تهیه کنیم.

● بازار خلوت، نیازی به ماسک ندارد

از آنجایی که این هفته بازار، مجهز به سیستم‌های روشنایی کافی نیست در روشنایی روز و پیش از غروب آفتاب به این محل رفتیم. اولین نکته کسادی بازار به دلیل گرمای هوا نبود امکانات سرمایشی به دلیل نبود برق بود. گرمای طاقت‌فرسایی که هم کسبه را کلافه کرده و هم مشتری‌ها را فراری داده بود. از ماسک و محلول ضد عفونی کننده هم خبری نبود. نه غرفه‌داران ماسک بر صورت داشتند و نه تعداد انگشت‌شمار که در بازار مشغول خرید بودند.

در قسمت فروش وسایل منزل، تعداد اندک مشتریانی که در بازار مشغول قدم زدن بودند، از ماسک استفاده کرده بودند اما به دلیل گرمای ماسک‌ها بر چانه‌شان قرار داشت. وقتی از خانم صفدر بیان که همراه خواهر و فرزندش مشغول دیدن پارچه بود پرسیدم چرا ماسک‌ها را بر چانه‌اش قرار داده است گفت: شما اینجا کسی را می‌بینید که نزدیک ما باشد؟ این قدر خلوت است که نیازی به ماسک نیست. فروشنده‌ها هم که از مایلی فاصله دارند، توی این گرمای چرایی خودی ماسک را روی صورت تمان بگذاریم؟

● گرمای کرونای کم کرده است

کساد بازار به اندازه‌ای بود که بعضی غرفه‌داران ناامید از حضور مشتری، زیراندازی پهن کرده و به زندگی عادی خود می‌پرداختند. همه قسمت‌های بازار تقریباً وضعیت مشابهی داشت؛ غیر از بخش فروش تره‌بار که هم رونق بیشتری داشت و هم فروشنده‌ها ماسک بر صورت داشتند. روی بعضی میزهای پیشخوان هم محلول ضد عفونی کننده وجود داشت که تقریباً بی‌استفاده در گوشه‌ای قرار گرفته بود. مشتری‌ها به این قسمت که می‌رسیدند ماسک‌های خود را از زیر چانه بالا می‌کشیدند و نکات بهداشتی رعایت می‌شد. علی‌آقا یکی از غرفه‌دارانی که سعی می‌کرد قبل از خراب شدن میوه و سبزی‌هایش آن‌ها را با آب پاشی ترو تازه نگه دارد گفت: مردم این محله همیشه از این بازار خرید می‌کنند. حتی وقتی کرونا شد باز هم مشتری‌های خودمان را داشتیم. اما گرمای هوا روی کرونای کم کرده است. الان مشتری‌های ما یاسر صبح می‌آیند و با همین موقع غروب و دم تعطیلی بازار، بازاری که نه برق دارد و نه امکانات خنک کننده.

محلات منطقه ما:

۹: نوفل لوشاتو، رضاشهر، طالقانی، سرفرازان، چهارچشمه، کوثر، هاشمیه، هنرستان، نیروهای، آب و برق، اقبال، زکریا، لادن، شقایق ۱ و شقایق ۲ و گلدیس

۱۰: رازی، استاد یوسفی، شریعتی، شاهد، لشکر، فرهنگیان، امامیه، رسالت، حجاب، ایثارگران، امام هادی (ع)، خاتم الانبیا (ص)

دبیر شهرآرا محله: فاطمه خلخالی استاد
دبیر شهرآرا محله منطقه ۹: الهام ظریفیان
تلفن شهرآرا محله منطقه ۹: ۳۸۸۳۸۸۵۲
تلفن شهرآرا محله منطقه ۱۰: ۳۶۶۲۹۴۸۰

شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
دفتر منطقه ۹: بولوار وکیل آباد، ابتدای بولوار هاشمیه
دفتر منطقه ۱۰: نیش استاد یوسفی ۱۳ فرهنگسرای خانواده
پست الکترونیک: mahalle9@shahrara.ir
mahalle10@shahrara.ir
کانال شهرآرا محله: @ShahraraMahaleh
دریافت نسخه الکترونیک شهرآرا محله از: shahraranews.ir

استاد یوسفی ۲۴

منطقه ۱۰ - محله استاد یوسفی

کوچه «المنتظر»

بیشتر بار این فعالیت‌ها نیز بر دوش مسجد المنتظر است که از فعال‌ترین مساجد قاسم‌آباد محسوب می‌شود. وجود بافت تجاری به‌عنوان مرکز محله در مجاورت این کوچه بر مرکزیت آن افزوده است.

از وجود دانشگاه آزاد و شهرداری منطقه ۱۰ به‌عنوان مشخص‌ترین ویژگی محله استاد یوسفی که بگذریم، کوچه استاد یوسفی ۲۴ محوری‌ترین معبر و مرکز فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، ورزشی و اقتصادی محله است.

خیریه المنتظر ۱۸ شعبه در محله‌های حاشیه شهر دارد و بیشتر از آنکه به دنبال کمک مالی به مددجویانش باشد برای آن‌ها کارآفرینی می‌کند.

کاظم آقا مدیر و شاطر نانوايي محله از يك سال پيش ديوار مهرباني اش را راه اندازي کرده است.

نمونه چنین فرعی‌های پیچ در پیچی را کمتر می‌توان در کوچه‌های مهندسی‌ساز قاسم‌آباد پیدا کرد.

اهالی می‌گویند بوستان یاسمن با همه قشنگی و سرسبزی‌اش به دلیل موقعیت خاص خود، به مکان دنجی برای هنجار شکنان تبدیل شده است.